

شیوه‌های مؤثر انتقال موارث فکری و فرهنگی امام (ره) به نسل جدید

هادی عبدالملکی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

یکی از نکات مهمی که در ادبیات انقلاب و تحقیقات اجتماعی - فرهنگی ما کمتر به آن پرداخته شده است - مسأله چگونگی تعلیم و انتقال اندیشه‌ها، افکار و دستاوردهای فرهنگی معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) به نسل جدید و آیندگان است. این در حالی است که رهبر کبیر انقلاب به رغم یکپارچگی و وحدت در اندیشه و عمل به عنوان گنجینه عظیم معارف در ابعاد و عرصه‌های مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و فقهی، عرفان و اخلاق) برای صاحب‌نظران و اندیشمندان معاصر شناخته شده است. لذا توجه به سه اصل کلی و مسلم لازم است: یکی اینکه شناخت صحیح و دقیق مبانی فکری و عملی اندیشه‌های امام ضرورتی انقلابی و علمی است. دوم معرفی درست و ارائه الگویی عملی و جامع، متناسب با اوضاع اجتماعی - فرهنگی نیاز اساسی نسل جدید است. سوم عمل به دستاوردهای فکری و فرهنگی امام خمینی (رحمة الله علیه) در سطح نظام اجتماعی و رفتارهای فردی کلید سلامت و تداوم انقلاب اسلامی است.

به عنوان یک هدف اساسی و با اتخاذ شیوه‌ها و راهکارهای مؤثر باید زمینه‌های مناسب به منظور معرفی و انتقال موارث فکری و فرهنگی ایشان فراهم شود و به گونه‌ای شایسته، اندیشه‌ها و یادگارهای نظری و عملی این مصلح بزرگ اجتماعی و سفیر الهی را به نسلهای بعدی منتقل کرد.

مقدمه

انقلاب اسلامی در قرن حاضر به عنوان یکی از مهمترین انقلابات سیاسی با دو خصلت ویژه و منحصر به فرد: یکی ایدئولوژیک بودن و تأثیر فوق‌العاده که از دین اسلام و مذهب تشیع و رهبری دینی گرفته و دیگری فرهنگی بودن به علت تأکید زیاد بر عناصر معنوی فرهنگ و اندیشه و ساختهای معنوی و تغییرات ارزشی در جامعه در سطح جهان شناخته شده است. در این میان یکی از نکات مهمی که در ادبیات انقلاب و تحقیقات اجتماعی و فرهنگی ما به آن کمتر پرداخته شده، چگونگی تعلیم و انتقال اندیشه‌ها، افکار و دستاوردهای فرهنگی معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) به نسل جدید و آیندگان است. بر همگان روشن است، انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام خمینی(ره) به ثمر نشست و به فرمایش رهبر فرزانه انقلاب، «انقلاب اسلامی بی نام خمینی در هیچ جای دنیا شناخته شده نیست»، این بیانگر این است که نام امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، ثمرات و دستاوردهای آن با هم عجین است، بنابراین، معرفی امام خمینی(ره) یعنی معرفی انقلاب اسلامی و بر عکس؛ این امر ممکن نمی‌شود مگر از طریق انتقال فرهنگ و تمدن اجتماعی ایران معاصر که با نام امام خمینی هویت یافته است.

افکار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) خمیر مایه شکل‌گیری و تداوم فرهنگ و تمدن انقلاب است و همانگونه که بر اهل نظر هویدا است، فرهنگ و تمدن یکی از خصلتهای اساسی و بنیادی جامعه بشری است که از طریق جامعه‌پذیری، آموزش و یادگیری و ارتباطات اجتماعی، توسعه و تکامل یافته است. آموزش و ارتباط اجتماعی دو عنصر مهمی است که بر تربیت اجتماعی افراد، روابط انسانی و اجتماعی، انتقال دستاوردهای مادی و معنوی بشری و توسعه و تکامل جامعه تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است. آموزش و ارتباطات اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین کانالهای انتقال موارث فکری و فرهنگی جامعه به نسلهای جدید، مستلزم استفاده از تکنیکها، شیوه‌ها و ابزارهای گسترده یادگیری و ارتباطی است که کیفیت و چگونگی انتقال اطلاعات را

تعیّن می‌بخشد و لازم است در هر وضعیتی به کم و کیف آنها توجه شود. در این نوشتار، ضمن تحلیل وضعیت و زمینه‌های تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری به خصوصیات آن پرداخته شده، همچنین به نظریه‌ها و عوامل مؤثر در یادگیری توجه، و روشهای متفاوت آن بررسی شده است. علاوه بر آن، ضمن بیان مهمترین شیوه‌ها و روشهای تربیت اجتماعی از دیدگاه اسلام به مقایسه تطبیقی این روشها با شیوه‌های نوین پرداخته شده است. در پایان با بهره‌گیری از این مبانی نظری به ارائه راهکارهای مناسب برای انتقال موارث فکری و فرهنگی رهبر کبیر انقلاب و تناسب آن با وضعیت فرهنگی و اجتماعی، ویژگیها و خصوصیات نسل جدید اقدام شده است.

۱- جامعه‌پذیری (socialization)

یکی از مهمترین اهداف هر نظام اجتماعی، تربیت شهروندانی است که با اهداف نهادی شده آن جامعه و شیوه‌ها و راه‌های رسیدن به اهداف، انسجام لازم را داشته باشد؛ به عبارت بهتر، شهروندانی را تربیت کند که اهداف فرهنگی و وسایل فرهنگی یا راه‌های رسیدن به اهداف فرهنگی را بپذیرد و در خود نهادی کند و اگر موفق شود این اهداف را ایجاد کند، می‌توان گفت آن نظام اجتماعی به اساسی‌ترین هدف تربیتی خود رسیده و موارث فکری و اجتماعی - فرهنگی خود را به نسلهای بعدی منتقل، و از بسیاری از تعارضات و تنشهای اجتماعی جلوگیری کرده و به عبارت دیگر، هویت اجتماعی به نسلهای بعدی داده است. به اعتقاد جامعه‌شناسان و علمای تربیت این مهم امکان ندارد، مگر از طریق فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری.

جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی، اجتماعی شدن را با تعابیر متفاوتی بیان می‌کنند، اما همگی اتفاق نظر دارند و جامعه‌پذیری را عبارت از «فراگردی می‌دانند که مردم از طریق آن، خوگرفتن با هنجارهای اجتماعی را می‌آموزند و دوام جامعه و انتقال فرهنگ آن را از نسلی به نسل دیگر امکان‌پذیر می‌سازد»^(۱) و یا به تعبیر دیگر اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان بتدریج به شخصی خودآگاه، دانا

و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است تبدیل می‌شود؛ اجتماعی شدن نسل‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^(۲)

شیوه‌ها و عوامل جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری ممکن است به سه طریق صورت بگیرد:

۱- جامعه‌پذیری به عنوان جذب و ذهنی‌شدن هنجارهای اجتماعی: جذب مقررات اجتماعی به صورتی است که ذهنی‌شدن در ضمیر افراد جنبه خودبه‌خودی دارد؛ به عبارت دیگر، هنجارهای اجتماعی با مقرراتی که در خارج از فرد قرار دارد بر او تحمیل نمی‌شود بلکه جزئی از شخصیت او می‌شود.

۲- جامعه‌پذیری به عنوان یکی از عناصر تعامل اجتماعی: مردم مایلند تصویری را که از خودشان دارند با تحصیل قبول آبرو در چشم دیگران تقویت کنند. در این مورد در همان حال که اعمالشان در جهت سازگاری با انتظارات دیگران هدایت می‌کنند نائل به جامعه‌پذیری می‌شوند.^(۳)

۳- جامعه‌پذیری به عنوان نیاز اجتماعی، نظامهای جوامع و نظامهای اجتماعی به گونه‌ای که هر نظام اجتماعی به منظور حفظ وضعیت خود، انتقال ارزشها و دستاوردهایش، شهروندان و تازه‌واردان با هنجارها و مقررات اجتماعی خود اقدام به آموزش و تربیت افراد در سنین مختلف می‌کند که نتیجه آن اجتماعی شدن فرد است. این نوع تربیت اجتماعی در پاره‌ای از کشورها که مطابق نظریه کارکردگرایی ساختاری ساماندهی شده‌اند از جمله کشورهای اروپایی رواج دارد و نتیجه آن تعادل‌شناختی، سازگاری و انطباق با اهداف و وسایل نهادی شده در آن فرهنگ بوده است.

جامعه‌پذیری را با توجه به اسباب و عوامل اجتماعی شدن به مراحل متعددی تقسیم می‌کنند که در این نوشتار به سه مرحله عمده تقسیم می‌شود و عبارت است از:

الف) جامعه‌پذیری کودکان در خانواده: در این مرحله از جامعه‌پذیری، کودکان بیشتر مقهور پیوندهای عاطفی با اطرافیان خود هستند که از آنها مواظبت می‌کنند و بسیاری از

تعاملات آنها با محیط و اطرافیان خود بیشتر جنبه حسی - حرکتی دارد؛ یعنی کودکان مستقیماً از طریق واکنشهای حرکتی بازتابی به محرکهای محیطی پاسخ می‌دهند و نتایج این تجربه‌های اولیه در ساخته‌های شناختی ثبت می‌شود و بتدریج آنها را تغییر می‌دهند. کودکان شناخته‌های خود را با کسب تجارب بیشتر گسترش می‌دهند و به آن وسیله این امکان برایشان فراهم می‌شود که راحت‌تر با موقعیتهای متغیر و بیشتری روبه‌رو شوند. مطابق نظریه «بندورا» در این مرحله کودکان بیشتر تحت تأثیر والدین خود (مادر، پدر، برادر و خواهران بزرگتر) قرار دارند. بنابر این در این موقعیت می‌توان به واسطه والدین و بزرگترها زمینه‌های آشنایی کودکان را از طریق ارائه تصاویر حضرت امام(ره) به کودکان، بیان شرح حال و اوصاف حضرت امام، رعایت الگوهای رفتاری حضرت امام در منزل، وجود تصاویر حضرت امام روی کتابها، سرسیدها، ساعت دیواری، دستگاه تلفن، اتومبیل، گلدان و پاره‌ای از سایر لوازم روزانه که توسط بزرگها و خود کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد، فراهم ساخت. اگر این حالت باشد مطابق نظریه «بندورا» می‌توان گفت در مرحله جذب و یادگیری مشاهده‌ای کودک اقدام به انتخاب سرمشق و الگویی برای خود می‌کند و در پیشینه ذهنی فرد، زمینه‌های آشنایی و علاقه‌مندی بعدی فراهم شده است. بنابر این در این مرحله نقش والدین در کم و کیف انتقال، نقش کلیدی و محوری است.

در مورد تأثیر والدین در تربیت کودکان حضرت امام(ره) خود می‌فرماید:

«... بچه‌ها از مادر بهتر چیز اخذ می‌کنند، آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه‌هایتان را در دامتان تربیت اسلامی بکنید...»^(۴) در تربیت اسلامی نیز بر نقش خانواده و والدین بسیار تأکید شده است به گونه‌ای که توجه به ابعاد وجودی (مادی و معنوی) و مراحل و دورانهای رشد انسان به عنوان یکی از اصول تربیتی توجه زیادی شده است. از نظر اسلام فرزندان سه مرحله را پشت سر می‌گذارند و پیامبر اسلام در این مورد می‌فرماید: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین»^(۵) یعنی فرزند

در ۷ سال اول آقای خانه است در ۷ سال دوم بنده و در ۷ سال سوم وزیر و مشاور خانه است. ۷ سال اول، دوران طفولیت و کودکی است. در این دوره باید کودکان مورد لطف و محبت والدین قرار گیرند.

پیامبر اسلام چنین می فرماید: «احبوا الصبيان و ارحمهم» یعنی کودکان خود را دوست بدارید و به آنها عطف و مهربانی کنید. (۶) غرض از بیان این موارد این است که دوران کودکی، حساس و ویژه است و والدین با زبان خاص کودکی همانطور که شاعر می سراید:

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

می توانند با توجه به استعدادها و تواناییهای فرزند خود به انتقال دستاوردهای فرهنگی جامعه خصوصاً موارث فکری و فرهنگی حضرت امام (ره) اقدام کنند. البته همانطور که در قرآن کریم نیز به عنوان یک منشور تربیتی آمده است و خداوند می فرماید «لا یکلف الله نفسها الا وسعها» (۷) یعنی خداوند هیچ کس را جز به اندازه توان وی تکلیف نمی کند و از او مسئولیت نمی خواهد، دوران کودکی باید دارای برنامه منظم تربیتی باشد و پدر و مادر به عنوان اولین معلمان کودک نقش اساسی در تربیت او دارند و باید به حساسیت تربیت در این دوران واقف باشند. بنابر این اگر از نظر عوامل اجتماعی شدن به موضوع نگاه کنیم در مرحله کودکی عامل اجتماعی شدن فرد، خانواده است. از آنجاکه در فرهنگها و جوامع مختلف، سطح و اندازه خانواده و روابط درون آن متفاوت است، میزان تأثیر آن بر افراد نیز متفاوت خواهد بود.

در جامعه ایرانی معمولاً الگوی خانواده، سنتی است و بطور سنتی در موقعیت و تربیت فرد تأثیر زیادی دارد. خانواده در این مفهوم می تواند ترکیبی از پدر، مادر، خواهر، برادر، عمو، عمه، خاله، پدر بزرگ، مادر بزرگ و حتی پاره ای از فامیل باشد که بر فرد تأثیر گذارند. لذا خانواده به عنوان نهاد اجتماعی می تواند کانال و زمینه خوبی برای انتقال موارث و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی حضرت امام (ره) باشد. اگر در خانواده فضای تعلیم و تربیت فضای اسلامی و امامی باشد می توان گفت ساخت شناختی

و ذهنی کودک طوری شکل خواهد گرفت که با افکار و اندیشه‌های امام، مانوس و همراه باشد. اگر کودک در مرحله اول از طریق مشاهده، افکار و الگوهای حضرت امام(ره) را جذب بکند و سپس به یاد بسپارد و توسط بزرگترها در مراحل بعدی برای او بازآفرینی شود و در نهایت با دادن مواد و محرکهای انگیزشی و تقویتی کودک را وادار به رفتار و ایجاد عکس‌العمل کرد در واقع به بهترین وجه در انتقال موارث حضرت امام(ره) اقدام شده است.

ب) دوران مدرسه: اگرچه در همه فرهنگها خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن فرد است، رشد جوامع و تغییرات اجتماعی در دوران معاصر، عوامل اجتماعی شدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که آموزش و مدرسه به‌طور فراگیر، تمامی سطوح زندگی اجتماعی انسانها را در تمامی جوامع اعم از سنتی و صنعتی تحت پوشش قرار داده است. آموزش چه به صورت رسمی یا غیررسمی و پنهانی در مدرسه صورت می‌گیرد. مدرسه، بهره‌برداری از تجربه‌های نسلهای گذشته، دستاوردهای بشری افکار و اندیشه‌های نو و ورود به اجتماع را برای انسانها تسهیل می‌کند. تغییرات سریع روشها و ابزارها و محیطهای آموزشی تا آن حد برای جوامع اهمیت و ضرورت دارد که به سرمایه‌گذارهای کلان مادی و معنوی در این امر منجر می‌شود. اگرچه نظام آموزشی با ساختارهایی همچون مدرسه و دانشگاه، متولی رسمی تعلیم تربیت اجتماعی تمامی نسلهاست، بسیاری از باشگاهها، کلوپهای داوطلبانه با پوشش اوقات فراغت جوانان و نوجوانان تأثیر فوق‌العاده‌ای در اجتماعی شدن آنان دارد. انجمنها، گروه‌های ورزشی، اردوها، گروه‌های همبازی و بطور عام گروه همسالان و گروه‌های مرجع، هر کدام به سهم خود در جامعه‌پذیری کودکان مؤثر هستند. بنابر این در این مرحله، آموزش و مدرسه مهمترین جایگاه‌هایی است که می‌تواند موارث اجتماعی را به نسل جدید منتقل سازد و افراد را برای تعامل در سطح نظام اجتماعی آماده و منطبق کند. لذا به نظر می‌رسد با ایجاد محیطهای مناسب تربیتی نظام اداری و آموزشی کارآمد و مطلوب می‌توان به اهداف تربیتی جامعه اسلامی، که در این مورد خاص، انتقال دستاوردها و به عبارتی

دسترنجهای چندین ساله فکری و عملی حضرت امام (ره) است، نائل آمد و با توجه به دوران حساس عمر جوانی و نوجوانی و تعداد قابل توجه آنان که قریب به ۱۸ میلیون است، بهترین شیوه، همان ارائه اهداف نهادی شده و انتقال مستقیم آثار و افکار حضرت امام (ره) به نسل جوان است.

جامعه‌پذیری افراد بالغ: این مرحله هنگامی است که عاملان در نقشهایی وارد می‌شوند که مراحل اول (خانواده) و دوم (مدرسه) ممکن است آنها را برای تصدی آن نقشها آماده نکرده باشد. این مرحله را می‌توان جریان کلی آموزش فرهنگی به شمار آورد و شامل تعاملات اجتماعی می‌شود که بین فرد، افراد و ساختارهای اجتماعی، افراد و مقررات اجتماعی، افراد و انتظارات اجتماعی ارتباط برقرار می‌شود؛ به این معنی که در ایفای نقشهای اجتماعی باید استانداردهای لازم (هنجارها) را در اختیار داشته باشند و براساس آن عمل کنند. این امر تا به آن حد مهم است که می‌توان جامعه‌پذیری را عبارت از انتقال ارزشها و هنجارهای اجتماعی به افراد تعریف کرد. روابط اجتماعی، نقشهای اجتماعی، ساختارها، نهادها و تعاملات اجتماعی از جمله شالوده هر نظام اجتماعی است که براساس ارزشهای اجتماعی شکل می‌گیرد و تعامل در سطح این روابط برای هر فرد از ملزومات اجتماعی است به گونه‌ای که امکان زیست اجتماعی از طریق آموختن قواعد عمل استانداردها و شیوه‌های رفتار ممکن می‌شود. به این مفهوم که فرد با قرار گرفتن در معرض اهداف فرهنگی نهادی شده در اجتماع و انتخاب شیوه‌ها و راه‌های رسیدن به اهداف مشروع جامعه، امکان تعادل و سازگاری در کنشهای خود را فراهم می‌کند، اگر این وضعیت به طور متوسط در سطح نظام اجتماعی ایجاد شود؛ یعنی افراد، قواعد و هنجارهای اجتماعی را بپذیرند و مطابق آن عمل کنند، بنابر این می‌توان گفت آن نظام اجتماعی از تعادل و همگنی لازم برخوردار است و فرایند اجتماعی شدن به طور کامل صورت گرفته است. این امر مستلزم ایجاد روشهای آموزش و انتقال یافته‌های اجتماعی است که علاوه بر خانواده و مدرسه، که ذکر آنها رفت، می‌توان به روزنامه‌ها، مجلات، نشریات، رادیو و تلویزیون، فیلم، موسیقی، مساجد، کلیساها، انجمنها، هیأت‌های مذهبی،

کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای و... اشاره کرد که در بحث راهکارها به آنها پرداخته خواهد شد.

۲- گذری بر نظریه‌های یادگیری

همانطور که می‌دانید هدف همه آموزشها معمولاً یادگیری است. یادگیری ممکن است با روشها و تکنیکهای مختلف صورت پذیرد. علمای علوم تربیت از یادگیری تعاریف متفاوتی ارائه کرده‌اند که مجال بازگویی همه آنها نیست اما به نظر می‌رسد که در این میان بهترین تعریف مربوط به «هیلگارد^(۸)» و «مارکویز^(۹)» است که بر اساس آن: «یادگیری یعنی ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده مشروط بر اینکه این تغییر بر اثر تجربه رخ دهد.»

ویژگیهای مهم این تعریف عبارت است از:

الف) تغییر

ب) تغییر نسبتاً پایدار

ج) تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه

د) تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه بر اثر تجربه^(۱۰)

دانشمندان تعلیم و تربیت، روشهای یادگیری را به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند: یکی یادگیری از راه شرطی شدن نام دارد که بیشتر بر یادگیری رفتارهای آشکار یا تداعی محرکها و پاسخها مورد تأکید قرار می‌گیرد و اینان به «رفتارگرایان» مشهورند. دسته دوم یادگیری‌هایی که بر فرایندهای ذهنی، فکری و شناختی تأکید می‌کنند و اینان به «شناخت‌گرایان» شهرت یافته‌اند. منظور از شناخت در این نوع یادگیری، جریانهای فکری و ذهنی حاکم بر رفتار است. سه نظریه عمده شناختی عبارت است از: ۱- نظریه یادگیری گشتالت ۲- نظریه معنی دار ۳- نظریه یادگیری مشاهده‌ای. مطابق نظریه گشتالت، بیشتر یادگیریها از راه بینش انجام می‌گیرد نه از راه کوشش و خطا. مطابق نظریه معنی‌داری کلامی «دیوید آزوبل^(۱۱)» یادگیرنده مطلبی را یاد می‌گیرد که بتواند به مطالب

آموخته شده قبلی ربط دهد؛ یعنی اگر یادگیرنده بتواند مطلب جدید را به مطلبی که قبلاً یاد گرفته است به گونه‌ای مربوط سازد، یادگیری او معنی دار است.

یکی دیگر از نظریه‌های یادگیری که هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی دارد، نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی است که در این مقاله نیز مورد تأکید و استفاده قرار گرفته است.

مهمترین نظریه پرداز و سردمدار این نظریه «البرت بندورا»^(۱۲) است. در نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا گفته شده که یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. این نوع یادگیری به شرح زیر است: بطور کلی یادگیری در چهار مرحله صورت می‌گیرد که عبارت است از: الف) مرحله توجهی ب) مرحله به یادسپاری ج) مرحله بازآفرینی د) مرحله انگیزشی یا تقویتی

الف) مرحله توجهی: برای یادگیری از راه مشاهده ابتدا باید به آنچه قرار است یاد گرفته شود، خوب توجه کرد. عوامل زیادی در جلب توجه افراد دخالت دارد که از آن جمله می‌توان جذابیت، شهرت، شایستگی، مورد احترام بودن، مورد تحسین بودن یا واقع شدن فرد سرمشق یا الگو را نام برد. کودکان خردسال معمولاً والدین، برادران و خواهران بزرگتر و معلمان خود را سرمشق قرار می‌دهند. نوجوانان بیشتر از قهرمانان ورزشی بازیگران سینما و شخصیت‌های مشهور تقلید می‌کنند.^(۱۳)

ب) مرحله به یادسپاری: برای اینکه بتوان رفتار هر سرمشق را تقلید کرد باید آن را به یاد سپرد. لازمه این کار بازنمایی آن رفتار در حافظه است؛ یعنی معرفی آن در حافظه به گونه‌ای که بعداً قابل بازنمایی یعنی یادآوری باشد.^(۱۴)

ج) مرحله بازآفرینی: وقتی دانش آموز یاد گرفت رفتار را چگونه انجام دهد، هنوز ممکن است قادر به انجام آن رفتار به گونه‌ای کامل نباشد. بعضی وقتها یادگیرنده نیاز دارد رفتار آموخته شده را تمرین کند. در این موقعیت معلم باید به او بازخورد بدهد و او را در انجام رفتار به گونه‌ای صحیح هدایت کند.

د) مرحله انگیزشی یا تقویتی: تقویت در این نظریه نقش انگیزشی دارد؛ یعنی تقویت لازم

ایجاد یادگیری نیست اما در تبدیل یادگیری به عملکرد مؤثر است. تقویت در یادگیری مشاهده‌ای چندین نقش دارد. اگر ما پیش‌بینی کنیم که با تقلید رفتار الگو تقویت خواهیم شد، برای توجه به رفتار او یادآوری آن رفتار و بازآفرینی آن انگیزش بیشتری خواهیم داشت. علاوه بر این تقویت در حفظ و یادگیری مؤثر است. مطابق نظریه بندورا، وقتی یادگیرنده یعنی مشاهده‌کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند که آن شخص برای آن رفتار، پاداش یا تقویت دریافت می‌کند، آن رفتار توسط فرد مشاهده‌کننده آموخته می‌شود. به این نوع پاداش یا تقویت، «تقویت جانشینی» می‌گویند؛ به طور مثال وقتی معلم، یکی از دانش‌آموزان کلاس را برای حل مسأله‌ای از یک راه تازه مورد تقویت قرار می‌دهد، دانش‌آموزان دیگر روش این دانش‌آموز را سرمشق قرار می‌دهند و می‌کوشند تا همان راه حل را در مسائل خود به کار بگیرند. علاوه بر تقویت جانشینی ممکن است از تشبیه جانشین نیز در این نوع یادگیریها استفاده شود، همچنین در پاره‌ای از موارد چیزهایی توجه کودک را به خود جلب می‌کند که مورد علاقه کودک باشد و بعد از مرحله جذب است که فرایند یادگیری از عمق بیشتری برخوردار می‌شود؛ یعنی به یادسپاری بازآفرینی و تکرار آنها در حافظه مستلزم علاقه‌مندی در جذب و توجه به الگوی مورد نیاز است.

۳- تبیین موضوع

با توجه به خصوصیات و ویژگیهای یادگیری، که ذکر آن رفت به نظر می‌رسد که در انتقال موارث فکری و فرهنگی امام خمینی(ره) به نسل جدید، علاوه بر فرایند جامعه‌پذیری، که آموزشی عمومی و همگانی است، آموزش و یادگیری اجتماعی می‌تواند به عنوان کانال و فرایند هدفمند، مد نظر باشد که می‌تواند ما را به مقصد نهایی رهنمون گردد. براین اساس اولاً این نوع آموزش و یادگیری باید در فرد تغییر ایجاد کند به گونه‌ای که وضعیت کنونی فرد، مرهون شناختی شود که از طریق یادگیری حاصل شده است. ثانیاً تغییرات ایجاد شده در فرد نسبتاً پایدار باشد به این مفهوم که توسط عوامل

انگیزی، هیجانی، خستگی و یا موارد مشابه ایجاد نشده باشد که به سرعت از بین برود، بلکه تغییرات ایجاد شده ناشی از تجربه‌ای باشد که مدت زیادی دوام داشته باشد. در واقع، مطابق مرحله دوم نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا، اطلاعات باید طوری به خاطر سپرده شود که بعداً قابل بازنمایی باشد و در مرحله تکمیلی آن یعنی مرحله سوم بازآفرینی، و با تزریق عوامل انگیزی و تقویتی به رفتار یا کنش تبدیل شود.

ثانیاً یافته‌ها و آشنایی با دستاوردهای امام(ره) و تغییرات ایجاد شده ناشی از یادگیری، نه در رفتار ظاهری فرد بلکه در رفتار بالقوه و تواناییهای او صورت بگیرد به صورتی که اندوخته‌ها در نهان فرد باقی بماند و متعاقباً در عملکرد او نمودار گردد به این مفهوم خاص که این نوع یادگیری از آثار حضرت امام زمینه‌های رفتاری و کنشهای فردی و اجتماعی فرد شود.

نکته چهارم اینکه این یادگیری زمانی مؤثر است که تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد در اثر تجربه باشد نه در اثر سایر عوامل، به این مفهوم که محرکهای بیرونی و درونی بر فرد مؤثر واقع شود و در واقع، محرکهای آموزش از قبیل گفتار، رفتار، تصاویر، نمونها و سایر تغییرات بیرونی به تغییرات بلندمدت و بادوام در فرد منجر بشود؛ به عنوان مثال اگر کودک در منزل، آثار، اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری حضرت امام را از بزرگترها مشاهده کند، به عنوان الگوی رفتاری آن را جذب می‌کند و با وجود تصاویر، فیلم، تذکر، آثار و هدایت دیگران آن را بازنمایی می‌کند. چنانچه محرکهای انگیزی و تقویتی در قالب پاداش، هدیه و جایزه به او داده شود تا میزان آشنایی و رعایت الگوها در رفتار و گفتار را بیشتر کند در واقع توانسته‌ایم یادگیری بادوام و از سر تجربه را فراهم سازیم که نتیجه قطعی آن رسیدن به هدف آموزش و یادگیری است. لذا این شیوه یعنی روش یادگیری و استفاده از روشهای مربوط کاربرد زیادی در انتقال موارث فکری و اجتماعی حضرت امام(ره) خواهد داشت؛ یعنی در خانواده یا مدرسه (البته توسط پدر و مادر یا معلم) حضرت امام(ره) به عنوان شخصیت قهرمان، موفق، دوست‌داشتنی، قابل ستایش و مورد علاقه معرفی شود و اطلاعات مربوط به شخصیت

ایشان، آثار فرهنگی و اجتماعی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد. همزمان از تصاویر، فیلم و کتاب استفاده لازم صورت بگیرد و طی برنامه مسابقاتی یا آزمون تقویت‌کننده‌ها و پادشاهی به آموزنده داده شود، فرد برای دریافت الگوهای فکری و عملی حضرت امام(ره) آماده و مهیاست؛ یعنی باید شرایط یادگیری را فراهم ساخت تا بتوان به یادگیری مفید اقدام کرد.

۴- مروری بر شیوه‌ها، اهداف و اصول تربیت اسلام

همانطور که قبلاً یادآوری شد، روشهای فرهنگی و الگوهای تعلیم و تربیت از هر جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است و فرق می‌کند. جوامع در انتقال ارزشها و هنجارهای خود از روشها و سبکهای خاص و مناسب با زمینه‌های اجتماعی خود بهره می‌برد. هر جامعه‌ای دارای اهداف تربیتی، اصول و شیوه‌های مخصوص به خود است. در اسلام نیز به مانند سایر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، تعلیم و تربیت و انتقال ارزشها و موارث اجتماعی گذشتگان به نسل بعدی از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و به آن توجه داشته است و حتی در بسیاری از موارد از آن به عنوان امری مقدس یاد شده است.

از آنجاکه این نوشتار و موضوع خاص آن بیشتر در فضای جامعه اسلامی قابل طرح، و امام خمینی به عنوان معمار بزرگ نظام اسلامی و انقلابی دارای آثار و افکاری بوده که به عنوان گنجینه گرانبهای ارزشها، افکار و الگوهای عملی اسلامی شایسته توجه بیش از پیش است و در بسیاری از موارد در محیط و زمینه‌های تربیت اسلامی بهتر می‌توان آن را تبیین کرد، لازم دیدیم هر چند مختصر، مروری کنیم بر اصول و شیوه‌های تربیت اسلامی و راهکارهای علمای تعلیم و تربیت اسلامی تا براساس آن بتوانیم ضمن پوشش انواع شیوه‌های انتقال موارث به نسل جدید به ارائه مناسبترین راهکارها بپردازیم.

اگرچه اهداف بسیاری برای تربیت اسلامی ذکر شده به طور عمده اهداف تربیتی

اسلام که در این نوشتار مد نظر است عبارت است از:

- ۱- برخورد مناسب با فطرت و ظرفیتهای انسانی
- ۲- پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسانی
- ۳- تکامل و تعالی انسان (انسانسازی)
- ۴- کمال اخلاق و افزایش تقوی
- ۵- تکیه بر علم و یقین

روشهای تربیت در اسلام

علما و دانشمندان تعلیم و تربیت اسلامی، روشها و شیوه‌های مؤثر تربیت اسلامی را در دسته‌های مختلف بیان کرده‌اند که به طور مختصر در ذیل معرفی می‌شود:

دکتر شریعتمداری برای تربیت اسلامی روشهای زیر را معرفی می‌کند:

۱- تلفیق علم و عمل ۲- توأم ساختن ایمان و عمل ۳- تربیت عملی ۴- روش عقلانی ۵- امر به معروف و نهی از منکر ۶- جهاد ۷- پاداش و تنبیه ۸- توبه ۹- پند و اندرز ۱۰- تربیت از طریق مثل ۱۱- تربیت از طریق قصه و سرگذشت اقوام و ملل^(۱۵)

از نظر قطب روشهای تربیت اسلامی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

۱- تربیت با سرمشق و نمونه عملی نشان دادن ۲- تربیت با پند و اندرز ۳- کیفر و پاداش ۴- تربیت با داستان و مثال ۵- عادت دادن ۶- تربیت با پیشامدها^(۱۶)

فاضل جمالی سبک و شیوه‌های تربیت اسلامی را به صورت ذیل خلاصه می‌کند:

۱- آموزش با عمل ۲- موعظه و نصیحت ۳- اسلوب داستان ۴- اثر سرمشق و محبت ۵- سبک عبرتهای تاریخی^(۱۷)

تعداد این روشها بیانگر این است که اندیشه تربیتی در اسلام، قوی و بااهمیت است و با به کارگیری روشهای مناسب می‌توان آن را مؤثر و قابل اطمینان کرد. اگر چه رسیدن به اهداف تربیتی هر نظام فکری با روشهای خاص خود تعبیه شده و در پاره‌ای از موارد نیز ممکن است همپوشی داشته باشد، آنچه مهم است، این است که در قرآن مجید انسان به عنوان وارث میراث فرهنگی گذشتگان معرفی شده و دارای استعدادهای متفاوتی است

که باید بارور شود، لذا منشور تربیتی اسلام، کامل و جامع است که می‌تواند هدایتگر تمامی متفکران تعلیم و تربیت و الگوی ثابت تربیتی تمام بشریت باشد. لذا باید توجه کرد که وقتی حضرت باری تعالی در قرآن مجید در خصوص حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «انک لعلى خلق عظیم» یعنی همانا تو دارای اخلاق بزرگی هستی و یا در جای دیگری می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» یعنی همانا پیامبر برای شما سرمشق و الگوی خوبی است، باز باید دنبال گمشده‌ها در جایی دیگر گشت! آیا وقت آن فرا نرسیده است که با تاسی از شیوه‌های اسلامی الگوهای عملی و سبلمهای تربیت را به نسل جدید معرفی کنیم که از آن جمله حضرت امام(ره) است که مایه افتخار و قوت قلب هر پژوهشگر است.

حال اگر به شیوه‌های تربیتی بازگردیم، ملاحظه می‌کنیم که پژوهشگر مسائل تربیت اسلامی، دکتر احمد احمدی، عمده روشهای تربیتی اسلام را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است:

- | | |
|---|--|
| ۱- ایجاد زمینه سالم تربیتی | ۸- برقراری ثواب و عقاب برای اعمال |
| ۲- داشتن اسوه و سرمشق برای تربیت | ۹- ایجاد محیط مناسب تربیتی |
| ۳- تمرین، تکرار و عادت دادن | ۱۰- بیان قصص انبیا و سرگذشت ملل |
| ۴- تعلیم و تربیت | ۱۱- ذکر امثال و تشبیه معقول و محسوس |
| ۵- مشاهده، تجربه و تعقل | ۱۲- دعا و نیایش |
| ۶- موعظه، نصیحت، امر به معروف | ۱۳- توبه و بازگشت |
| ۷- اندرز، نهی از منکر و مبارزه با التحرافات | ۱۴- برقراری نظام اسلامی برای اجرای تربیت ^(۱۸) |

۵- شیوه‌های مؤثر انتقال موارث حضرت امام(ره) به نسل جدید

بعد از آشنایی اجمالی با زمینه‌های اجتماعی و عوامل تعلیم و تربیت و بحث در مبانی نظری جامعه‌پذیری و یادگیری اجتماعی به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم برای انتقال موارث حضرت امام خمینی به عنوان منظور اساسی این نوشتار به ارائه شیوه‌ها پردازیم، مناسب است مجدداً چهار اصل کلی: الف) ابعاد شخصیت حضرت امام و وحدت عمل

و اندیشه ایشان ب) شناخت صحیح و دقیق از مبانی فکری حضرت امام (ره) (ج) معرفی درست حضرت امام به عنوان الگو و سرمشق جوانان و نوجوانان د) ضرورت عمل به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی امام در سطوح فردی و اجتماعی را مد نظر قرار دهیم تا بهتر بتوان به ارائه شیوه‌های انتقال موارث به نسل جدید اقدام کرد. به طور کلی مهم‌ترین شیوه‌ها و زمینه‌های انتقال موارث حضرت امام را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱- تبیین تمامی ابعاد وجودی شخصیت امام (ره) برای نسل جدید

همانطور که قبلاً ذکر شد یکی از اهداف تربیت اسلامی، پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسانی است؛ به عبارت دیگر هدف تربیت اسلامی انسانسازی است. لذا لازم است در معرفی شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی و دینی و انتقال آثار و افکارشان به نسل جدید، ضمن توجه به چگونگی و نحوه آشنایی با آنان به معرفی شخصیت آنها با تمام ابعاد وجودیشان اقدام کرد. از نظر قرآن کریم، انسان وارث میراث فرهنگی گذشتگان و دارای استعداد‌های مختلفی است و در این زمینه می‌فرماید: «هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیلوکم فی ما انکم»^(۱۹) یعنی خداوندی است که شما را جانشین گذشتگان از اهل زمین و وارث آنان کرد و توان و استعداد بعضی را بالاتر از بعضی دیگر مقرر داشت تا شما را در این تفاوت تواناییها و درجات بیازماید. مجدداً به اهداف تربیتی اسلام از دیدگاه دکتر شریعتمداری باز می‌گردیم که آن را به صورت زیر بیان می‌کند: ۱- تقوی ۲- تعلیم حکمت ۳- پرورش روح عدالتخواهی ۴- تکامل انسان ۵- پرستش خدا ۶- برادری و همکاری ۷- دوستی با ملت‌های دیگر ۸- پرورش نیروی تفکر ۹- پرورش روح اجتماعی.

ملاحظه می‌شود که در شخصیت امام خمینی و آثار ایشان تمامی این اهداف پوشش داده شده است. در این راستا می‌توان گفت یکی از مناسبترین شیوه‌های انتقال موارث حضرتش، توجه به تمامی ابعاد شخصیتی ایشان است که به ایجاد همسانی و سازگاری

بین اهداف تربیتی نظام آموزش و اهداف و شیوه‌های آن متفکر فرزانه منجر می‌شود. تبیین شخصیت امام به عنوان یک متفکر مذهبی، رهبر دینی، عارف متخلق به اخلاق اسلامی، سیاستمدار انقلابی، مدیر مسلط و آگاه، نظریه پرداز فقهی و مکتبی، که در عین حال نفوذ بسیاری در افکار عمومی و توده مردم داشت و کمتر می‌توان در تاریخ معاصر شخصی را یافت که متصف به این صفات باشد، خود می‌تواند به عنوان یک هدف تربیتی مورد توجه نسل جوان و نظام آموزش و پرورش رسمی جامعه قرار گیرد. بنابراین این اگر بتوانیم بین اهداف و اصول تعلیم و تربیت اجتماعی و اهداف تربیتی حضرت امام همسانی ایجاد کنیم به این مفهوم که اهداف، اصول و شیوه‌های نظام آموزشی جامعه را بر اهداف و اصول تربیتی اسلامی امام منطبق کنیم، در واقع توانسته‌ایم ارزشها و اصول بنیادی را در انسانها نهادی کنیم که آن را قبول داشته باشند و به آن عمل کنند. لذا نتیجه قطعی آن انسجام، هماهنگی و همبستگی اجتماعی است که در تمام سطوح فردی و اجتماعی جاری و ساری خواهد شد. در این وضعیت، زمینه‌های واقعی و انتقال موارث فرهنگی ایجاد شده است؛ به عبارت دقیقتر، شناخت، که مقدمه تمامی اعمال فردی و اجتماعی است، حاصل شده است و یادگیری فرد عینی خواهد بود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و ائثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم»^(۲۰) یعنی ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به فرقه‌ها و دسته‌های مختلف تقسیم کردیم تا یکدیگر را بشناسید، بی‌شک گرامیترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. اسلام با دعوت به اتحاد و اتفاق و تشکیل اجتماع اسلامی بر مبنای وحدت و همبستگی، آنان را به زندگی شرافتمند فرا می‌خواند؛ به عبارتی می‌توان گفت این امر از طریق ایجاد همسانی و همبستگی بین اهداف نهادی شده اجتماعی و راه‌های فرهنگی، رسیدن به اهداف تحقق می‌یابد. بنابراین این چنانچه اهدافی که در نظام آموزشی نهادی می‌شود منطبق با اهداف مورد نظر امام خمینی باشد و شیوه‌های تربیتی بتواند کنشگران اجتماعی را پیرامون این اهداف بسیج کند در واقع توانسته است در انتقال موارث فرهنگی و اجتماعی نظام اجتماعی و امام

موفق باشد. آشکار است که شناخت صحیح ابعاد شخصیتی امام و ارائه تصویری روشن از ایشان مستلزم فرایند اطلاع‌رسانی دقیق و پیشرفته است که از عمده وظایف متولیان فرهنگی کشور از جمله آموزش و پرورش، صدا و سیما، وزارت ارشاد، آموزش عالی، خانواده، حوزه‌ها و مدارس مذهبی و... است.

۲- روش الگوسازی معرفی حضرت امام(ره) به عنوان یک سرمشق و الگوی عملی

وجود سرمشق و اسوه و به عبارت دقیقتر الگوی عملی فکری و رفتاری برای هر فراگیری لازم است. هر فرایند آموزشی مستلزم داشتن الگوها و سرمشق است. به دنبال تنوع و تغییرات فعالیتهای مورد انتظار افراد، نیاز به الگو نیز تغییر می‌یابد. لذا به نظر می‌رسد افراد در سنین متفاوت نیازمند الگوهای متفاوتی هستند. علاوه بر این الگوها با توجه به تنوع فعالیتهای افراد متنوع خواهد بود. کودک ممکن است در عین حال دو یا چند الگو و سرمشق را مد نظر قرار دهد. در این رابطه بسیاری از متفکران بر نقش والدین بسیار تأکید می‌کنند و معتقدند که کودک وقتی متولد می‌شود، استعداد فطری و آمادگی ذاتی فراوانی برای یادگیری و تربیت دارد. پدر و مادر اولین سرمشق و مدل برای رفتار کودک هستند. کودکان با مشاهده رفتار والدین خود آن را الگوی رفتار (گفتار و حرکات) خود قرار می‌دهند و از آنها پیروی می‌کنند. بدون تردید اگر مدل و سرمشق یعنی والدین دارای رفتار مناسبی باشند رفتار کودک درست شکل می‌گیرد.^(۲۱)

پیامبر گرامی اسلام در مورد الگوپذیری از دیگران می‌فرماید: «انسان پیرو راه و رسمی است که دوست و همنشین او دارد»^(۲۲) البته خود پیامبر به فرمایش قرآن کریم سرمشق و نمونه عملی کاملی برای مؤمنان بوده است و قرآن در این زمینه می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»^(۲۳) یعنی همانا پیامبر برای شما سرمشق و الگوی خوبی است. همچنین پیامبر شاهد و گواه و معیاری برای تربیت است. خداوند تبارک و تعالی در این خصوص می‌فرماید: «انا ارسلنا الیکم رسولا شاهداً علیکم» یعنی

همانا ما پیامبر را به رسالت برگزیدیم تا شاهدهی برای شما باشد و خودتان را با آن معیار، ارزیابی کنید؛ حتی مطلب آنقدر اهمیت دارد که قرآن کریم، افراد مؤمن را نیز شاهد و الگو برای دیگران قرار می‌دهد و می‌فرماید: «لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا»^(۲۴) یعنی تا شما نمونه و گواه برای مردم باشید و پیامبر برای شما گواه باشد. امام خمینی(ره) در تمامی ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، شخصیت برجسته‌ای بود که علاوه بر عمق تفکر و اندیشه، دارای اخلاق عملی و الگوی رفتاری در ابعاد سیاسی، عبادی، فرهنگی، عرفانی، علمی و ادبی، و مصداق واقعی آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره بود. برای روشن شدن موضوع به یک مقایسه اجمالی می‌پردازیم: خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه قلم درخصوص پیامبر اسلام می‌فرماید: «انك لعلى خلق عظيم» یعنی همانا تو دارای اخلاق بزرگ هستی و بعد از ستایش پیامبر مجدداً یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «و لو كنت فظاً غليظ القلب لا نفضوا من حولك»^(۲۵) یعنی اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند، بیانگر این مفهوم است که اخلاق و کمال وجودی پیامبر اسلام از ایشان، الگوی عملی و سرمشق ساخته بود و این خود یکی از مهمترین شیوه‌های معرفی وجود مبارکشان به ملتها و نسلهای دیگر بوده است. حضرت امام خمینی(ره) پیرو راستین و منادی اسلام ناب محمدی بود که ندای حق سرداد و مردم حول ایشان جمع شده بودند به طوری که دو یا سه نسل از جوانان این ملت خود را فدای او کردند و یا آماده فداکردن بودند. این بیانگر آن است که مردم حول ندای حق و تفکر و اندیشه دینی، اخلاق عملی، زهد و پاکی حضرت امام تجمع نمودند که نتیجه قطعی آن برقراری حکومت و نظام دینی بود که در تمامی ابعاد آن وجود مبارک حضرت امام(ره) سرمشق و الگوی مناسب حفظ و پایداری آن است. آثار حضرت امام نشان می‌دهد الگوها و سرمشقها در تربیت اجتماعی افراد سهم بسزایی دارد. وی از معلمان، والدین، روحانیون، دانشجویان و کارگزاران نظام اسلامی به عنوان الگوهای تربیت نسل جدید و انتقال موارث اجتماعی نام می‌برد و خصوصاً در رابطه با الگو بودن مادران می‌فرماید: «... دامن مادر بزرگترین مدرسه‌ای است که در

آنجا بچه تربیت می‌شود. آنچه را بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در داهان مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم. مادری یک وظیفه الهی است، یک وظیفه انسانی است...»
 بنابر این می‌توان گفت یکی از مناسبترین شیوه‌های عملی انتقال موارث حضرت امام استفاده از نقش الگوی مادران و سایر افراد بانفوذ در تربیت فرد است که از آن جمله‌اند معلمان و متولیان امور فرهنگی کشور و در این زمینه می‌فرماید: «... شغل شما شغل انسانسازی است. معلم انسان درست می‌کند همان شغل انبیاست...» حضرت امام ضمن یادآوری حساسیت شغل معلمی و تأثیر معلمی در تربیت بچه‌ها می‌فرماید: «آن کسی که می‌خواهد مربی یک جامعه‌ای باشد مربی یک دستگاهی باشد و آنها را به اسلام دعوت کند، اول باید خودش را اسلامی بکند و باطن خودش را به اسلام دعوت بکند... معلمین آموزش و پرورش اگر خودشان یک پرورش صحیح نداشته باشند، یک تعلیم صحیح نمی‌توانند جوانها را تعلیم کنند و آموزش بدهند و پرورش بدهند...» (۲۶)

حال اگر مجدداً به نظریه بندورا در مورد آموزش و پرورش بازگردیم به یاد می‌آوریم که بندورا معتقد است «الگوها یا سرمشقهایی که مورد احترام، لایق و الامقام یا پر قدرت باشند در ایجاد یادگیری مؤثرند. بنابر این در بیشتر موارد، معلمان می‌توانند هم به آموزش دانش و مهارتها اقدام کنند و هم با یاد دادن شیوه‌های حل مسأله اصول اخلاقی، معیارهای عملکرد قواعد کلی و اصول و خلاقیت همت گمارند.» (۲۷)
 همچنین بندورا نقش بسیار مهمی برای شخص معلم در مراحل چهارگانه یادگیری مشاهده‌ای قائل است. وی این نقش را خصوصاً در فرایند انگیزشی بااهمیت‌تر می‌داند. براساس همین فرایند می‌توان گفت: ویژگیهای مختلفی از الگو نیز بر اینکه تا چه حد جلب توجه یادگیرنده را می‌کند مؤثرند. پژوهشها نشان داده است که الگوهایی که از لحاظ جنسیت، سن و جزء اینها که شبیه مشاهده کننده هستند بیشتر مورد توجه او قرار می‌گیرد. همچنین ویژگیهای دیگر الگو از جمله قابلیت احترام، پایگاه اجتماعی، شایستگی و قدرتمندی نیز بر جلب توجه مشاهده کننده مؤثر است. به طور کلی به اعتقاد

بندورا افراد به الگوهایی توجه می‌کنند که به کارآمدی مشهورند و کسانی را که از لحاظ ظاهری با شهرت ناکارآمد هستند نادیده می‌گیرند... در صورت داشتن حق انتخاب، افراد به احتمال بیشتر الگوهایی را انتخاب می‌کنند که در کارهایشان موفقند. (۲۸)

علاوه بر اینکه «بندورا» الگو را به عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات تعریف می‌کند، بنابر این می‌توان گفت بسیاری از رسانه‌های خبری از جمله تلویزیون، رادیو، روزنامه و نشریات در القا و ترویج الگوها مؤثر است.

غرض اصلی از بیان این موضوع در واقع استفاده از جاذبه‌های شخصیتی امام خمینی است که او را به عنوان الگوی کامل و جامع قابل پذیرش می‌سازد. فراهم ساختن زمینه و امکان شناخت ابعاد شخصیتی امام خمینی به نسل جدید که در این مرحله لازم است تمامی ابعاد و جنبه‌های شخصیتی امام به عنوان الگوها و سرمشق جوانان و نوجوانان ارائه گردد و با در نظر گرفتن ویژگیهای سنی، تپه‌های شخصیتی، وضعیت اجتماعی فرهنگی به طور گسترده و دامنگیر امام را به آنان معرفی کرد: در اینکه امام خمینی(ره) در دوران معاصر، شخصیت بی‌نظیر و برجسته سیاسی فرهنگی بوده، و والامقام و بااحترام، عارف، عاقل، عاشق، متوکل و از اعتماد بسیاری برخوردار، و موفق و مورد اعتماد بوده است؛ به عبارت دیگر تمامی ویژگیها و خصوصیات بگ الگو و سرمشق را دارست. مصداق واقعی آیه مبارکه قرآن کریم قرار گرفته بود و برای مؤمنان شاهد و گواه بود. اگر می‌خواهیم موارث فکری و اجتماعی حضرت امام را به نسل جدید منتقل کنیم، ابتدا باید تمامی ابعاد شخصیتی ایشان را مورد مطالعه و تدوین قرار دهیم. سپس با توجه به جاذبه‌های شخصیتی حضرت امام و آثار و دستاوردهای ایشان، الگو و سرمشق بودن را از درون خانواده به عنوان اولین مرحله اجتماعی شدن کودکان توسط والدین آغاز کنیم و به دنبال آن با توجه به روشهای یادگیری و ارتباطی به تکمیل آن اقدام کنیم؛ به عنوان مثال، نوازش کودکان خانواده توسط حضرت امام، نامه عرفانی به عروس خانواده، نصیحتهای پدرا نه به حاج سید احمد، فرزند گرامی و عزیز ایشان نمونه‌هایی از ارتباطات خانوادگی است که به عنوان سرمشق رفتاری خانواده قابل طرح و ارائه است.

۳- فراهم ساختن زمینه‌ها و محیط مناسب تربیتی

تربیت و آموزش، فرایند اجتماعی است که نیازمند محیط و زمینه مناسب است. محیط مساعد تربیتی شامل محیط خانه، مدرسه و اجتماع می‌شود به گونه‌ای که اگر در آن محیط تمامی شرایط و عوامل تربیتی فراهم باشد، انتقال داده‌ها به متعلم صورت خواهد گرفت. همانگونه که رشد و نمو بذر به زمینه مرغوب و مراقبت نیاز دارد، تربیت اجتماعی افراد نیز نیازمند محیط مناسب است تا بتوان اهداف و منظورهای تربیتی را در آن عملی ساخت؛ حتی به اعتقاد متفکران، محیط خود به خود بر افراد مؤثر است و در نوع و میزان انتقال یافته‌ها نقش اساسی دارد. کودکان، جوانان و نوجوانان بیش از دیگران تحت تأثیر محیط و موقعیتهای یادگیری قرار دارند. در این زمینه «ژان پیازه» ضمن بیان رابطه رشد ذهنی و رشد ارگانسیم تأکید می‌کند، وجود محیط اجتماعی ویژه برای تحقق بخشیدن به رشد اجتناب‌ناپذیر است و بیان می‌کند تحقق یافتن یادگیری به‌عنوان تابعی از موقعیت فرهنگی و تربیتی افزایش یا کاهش می‌یابد. همچنین تعامل بین محیط و ساختهای شناختی از راه فرایند جذب و انطباق در نظریه پیازه نقش اساسی ایفا می‌کند. علاوه بر این پیازه می‌نویسد «انسان درست از لحظه تولد به همان اندازه که تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد از محیط اجتماعی نیز متأثر می‌شود. جامعه حتی بیشتر از محیط فیزیکی ساختار فرد را تغییر می‌دهد زیرا نه تنها او را مجبور به شناخت واقعیتها می‌کند بلکه همچنین نظام از پیش آماده‌ای از نشانه‌ها را در اختیارش می‌گذارد که افکار او را تغییر می‌دهد و او را با ارزشهای تازه آشنا می‌کند و تعداد نامحدودی از تکالیف را بر عهده‌اش می‌گذارد.»^(۲۹) بررسی و تحلیل این موضوع از دیدگاه نظریه‌های روانشناسی و علوم تربیتی به بحث بیشتری نیاز دارد و از حوصله این نوشتار خارج است، لذا به بحث کلان موضوع باز می‌گردیم و بیشتر از نظر جامعه‌شناسی و محیط اجتماعی به موضوع نگاه می‌کنیم به این مفهوم که فراهم ساختن زمینه‌ها و اوضاع تربیتی از جمله عوامل محیطی است که بر انتقال دستاوردهای اجتماعی جامعه و انسانها مؤثر است.

تربیت و انتقال موارث اجتماعی به نسلهای بعدی از جمله مهمترین وظایف متولیان

امور مردم است. پیامبر اسلام(ص) بعد از هجرت، معلم مخصوصی را برای قرائت و کتابت تعیین، و بعد از تأسیس حکومت اسلامی دستور تعلیم و تعلم کودکان را صادر کرد و پس از جنگ بدر اولین مکتب اسلامی را تشکیل داد و عبدالله بن سعید مأمور شد تا خواندن و نوشتن به مردم مدینه بیاموزد. مسجد به عنوان نخستین مؤسسه برای تعلیم و تربیت به کار رفت. خلاصه اینکه محیط تربیت اسلامی، محیطی است که باید عاری از انحطاط، سردرگمی و سرشار از ایمان، برادری، برابری و اخوت اسلامی باشد. دکتر احمدی در مورد ضرورت سامانمند بودن امور تربیت اسلامی می‌نویسد:

«حاکمیت نظام اداری بر امور اجتماع به این دلیل به عنوان وسیله تربیت و انتقال موارث مطرح می‌گردد که وجود روابط صحیح اداری و نظامی کارآمد وسیله‌ای برای متبلور شدن رفتار تربیتی در اجتماع است. اگر نظام تربیتی و اداری درست نباشد و فرد در برخورد با دیگران و در روابط اجتماعی با رفتار غیراسلامی و غیرتربیتی روبه‌رو شود، تلاش خانواده و مربیان درباره او خنثی می‌شود و چه بسا حاصل آن بی تفاوتی و گاهی بی‌ایمانی و حتی ضدیت می‌شود.»^(۳۰)

این محیط تربیتی و ساختارهای مرتبط با آن می‌تواند شامل تمامی ساختارها و نهادهای اجتماعی باشد که مستقیماً دست‌اندرکار امور تربیتی هستند از جمله آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، وزارت ارشاد، صدا و سیما، حوزه‌ها و ...

حال اگر این نهادها اهداف، شیوه‌ها و الگوهای رفتاری حضرت امام را در خود نهادی کنند و سپس به طور جدی خود را ملزم به برنامه‌ریزی فرهنگی به منظور انتقال آن موارث به آیندگان سازند، آن محیط مساعد تربیتی شکل گرفته است که می‌توان انتظار داشت به جامعه‌پذیری نسل جدید و نهادی شدن آثار فکری و اندیشه امام کمک کند. لذا اجرای الگوهای رفتاری حضرت امام خود مقدمه اصلی انتقال به نسلهای بعدی است.

بنابراین ارائه شناخت صحیح از اندیشه‌ها و آثار حضرت امام(ره) و ابعاد شخصیتی ایشان به عنوان ضرورتی انقلابی و هدفمند و شیوه‌ای اصلی و بنیادی در انتقال موارث

فکری و فرهنگی حضرت امام مقدمه هرگونه برنامه‌ریزی برای انتقال موارث حضرت امام به نسل جدید مورد توجه است. علاوه بر این الگوسازی و ارائه چهره‌ای جذاب و سرمشق با توجه به نیازهای تربیتی و عاطفی نسل جوان، دیگر شیوه اساسی است که در انتقال موارث فکری و فرهنگی امام(ره) باید مورد توجه قرار گیرد. سرانجام اینکه عمل به دستاوردهای فکری و فرهنگی حضرت امام خمینی(ره) در سطح نظام اجتماعی (اداری و سیاسی) و نهادی شدن اندیشه‌ها، الگوها و دستورالعملهای حضرت امام در سطح جامعه، نهادهای اجتماعی و آموزشی و فرهنگی و برقراری نظام تربیتی مناسب و مطلوب از جمله اقدامات عملی است که برای انتقال افکار و اندیشه‌های حضرت امام به نسل جدید باید انجام داد.

به هر حال از زمینه‌ها و عوامل انتقال موارث اجتماعی به نسلهای بعدی که بگذریم، برخی شیوه‌های یادگیری و ارتباطی وجود دارد که در فرایند انتقال موارث فکری و فرهنگی حضرت امام باید مد نظر قرار بگیرد. این شیوه‌ها گاهی به صورت جداگانه و گاهی با تلفیق و ترکیب رویکردهای متفاوت جامعه‌شناسان و روانشناسان کارآیی بیشتری به خود خواهد گرفت و نتایج فرایند آموزش و یادگیری اجتماعی را خصوصاً در موارد مورد بحث هدفمند و پویا خواهد کرد. این موارد عبارت است از:

۱- شناخت استعدادها، ظرفیت و شیوه‌های نفوذ در نسل جدید

منظور از نسل جدید در این مورد خاص بیشتر خردسالان، جوانان و نوجوانان، هستند که دارای ویژگیها، حالات و خصوصیات هستند که اگر در کل کشور و حتی جهان مورد نظر باشد، قطعاً با توجه به تنوع خرده فرهنگها، اقوام و مناطق مختلف و ملیتها، تپه‌های شخصیتی از یکدیگر متفاوت خواهند بود که باید مورد نظر باشند و با زبانهای متفاوت، سمبلها و نمادها که مناسب با علایق و ذوقهای جوانان و نوجوانان است به این کار اقدام کرد. استفاده از زبانهای چندگانه و خاص در تغییر شکل موارث حضرت امام(ره) مناسب این گروه‌ها در انتقال آن بسیار مؤثر است؛ به عنوان مثال دانشجویان در همایشها، عملکرد و کنگره‌ها بهتر امام را خواهند شناخت، ولی فرزندان

کارگران و طبقات پایین با نقل قولها و ارتباطات شفاهی بهتر امام را خواهند شناخت. برای جوانان، اردوگاه‌ها و اردوهای فرهنگی، تفریحی به نظر می‌رسد از شیوه‌های دیگر مناسبتر است؛ در عین حال برای جوانان، گروه‌های مرجع نفوذ بیشتری در تعلیم دستاوردهای حضرت امام خواهند داشت.

۲- پیامد فرایند تعلیم و یادگیری استفاده از روش تکرار و عادت دادن

عادت نقش عمده‌ای در یادگیری دارد. کودک ابتدا رفتاری را می‌بیند و آن را انجام می‌دهد و نتیجه‌ای می‌گیرد. سپس آن را تکرار می‌کند و به صورت عادت برای او درمی‌آید. سخن گفتن، غذا خوردن نمونه‌هایی از عادت است. وقتی رفتار به صورت عادت درآید، مانند یک عمل فطری و غریزی می‌شود. حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «العادة طبع ثان» یعنی عادت سرشت و طبیعت دوم انسان است و قرآن مجید به حضرت رسول(ص) دستور می‌دهد که: «و أمر اهلک بالصلوة و اصطر علیها»^(۳۱) یعنی به خانواده‌ات فرمان بده تا نماز بخوانند و بر نماز ایستادگی و پافشاری کنند.

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد اگر در سطح خانواده و نظام تربیتی و آموزشی که آن را در نظام حکومتی اسلام معرفی کردیم بر دستاوردها، افکار، اندیشه و آثار معنوی و اجتماعی فرهنگی حضرت امام تأکید، و تکرار شود در واقع به شیوه مؤثر نسل جدید را با آن آشنا کرده‌ایم و بر اثر تکرار در بسیاری از موارد به صورت الگوهای رفتاری، تفکری و غیره... برای آنها درخواهد آمد و در به ثمر نشستن تکرار، یادآوری و تذکر نقش بسیار مؤثری دارد و حضرت باری تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «فذكران نفعت الذکری»^(۳۲) یعنی پس یادآوری کن که یادآوری ثمربخش است.

۳- استفاده از انگیزاننده‌ها، پاداش و تقویت‌کننده‌های مثبت

در دیدگاه اسلامی تعلیم و تربیت و همچنین نظریه‌های غربی بر استفاده از پاداشها به‌منظور تقویت رفتارهای مورد انتظار بسیار تأکید شده است. اگر انسان بداند که رفتار درست وی اثر و نتیجه خوبی دارد به تکرار آن رفتار تشویق می‌شود و چنانچه بداند که انجام رفتار نادرست به نتیجه دردناکی می‌انجامد از آن عمل پرهیز می‌کند. ثواب و

عقاب یا پاداش و تنبیه و کیفر از لوازم یادگیری و برای تحریک فرد به انجام کار درست و جلوگیری از اعمال نادرست است. جامعه‌شناسان و روانشناسان و بسیاری از رشته علوم انسانی به تحلیل و بررسی نقش انگیزه و پاداشهای مثبت و منفی در یادگیری پرداخته‌اند که متأسفانه مجال بازگویی آنها در این نوشتار نیست. آنان به اتفاق نظر پذیرفته‌اند که پاداش به عنوان واحد تقویت‌کننده رفتار یا مشوق اطلاعاتی که ارگانیزم را وادار به عمل می‌کند در نظر گرفته شود. تقویت‌کننده‌ها را به چند دسته عمده تقسیم می‌کنند که عبارتند از: ۱- تقویت‌کننده‌های نخستین ۲- تقویت‌کننده‌های شرطی ۳- تقویت‌کننده‌های اجتماعی ۴- تقویت‌کننده‌های فعالیتی که بطور عمده از آنها در فرایند آموزش و یادگیری بهره می‌برند. در جامعه‌شناسی خصوصاً نظریه مبادله و رویکرد جورج هومنز بر استفاده از پاداشها و محرکهای تقویت و تکرار رفتارهای اجتماعی بسیار تأکید شده است. هومنز ضمن نقد کارکردگرایی ساختاری به روانشناسی متمایل شد و با استفاده از دو متغیر «عمده ارزش و کمیت» به تحلیل رفتارها و تعاملات اجتماعی افراد پرداخت. وی نتیجه تحقیقات خود را در قالب ۵ قضیه تحت عنوان قضایای عام بیان کرد. مطابق قضیه موفقیت «در مورد همه اعمال که اشخاص انجام می‌دهند غالباً این‌گونه است که هر عملی که از یک شخص اگر مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل توسط همان شخص افزایش می‌یابد.»^(۳۳) از آنجا که این قضیه متناظر بر روابط بین اشخاص با یکدیگر و با ساختارهای اجتماعی است، ممکن است سه مرحله داشته باشد: نخست کنش یک شخص، دوم نتیجه همراه با پاداش و سرانجام تکرار کنش نخستین یا کنشی که از برخی جهات با کنش اولی مشابه است و می‌تواند به پاداش و احساس موفقیت ختم شود. بنابر این در انتقال موارث فکری حضرت امام مطابق این قضیه، اگر به میزان آشنایی، بهره‌برداری از اندیشه و افکار حضرت امام هم در سطح کنشهای فردی و هم در سطح ساختارهای اجتماعی، پاداشهای مناسب داده می‌شود، شخص احساس موفقیت می‌کند. لذا برای افزایش سطح یادگیری و تکرار آن اعمال، چه اندیشه و تفکر باشد و چه عمل مطابق الگوهای فکری و رفتاری حضرت

امام، ترغیب می‌شود. حال اگر این در سطح کلان و اجتماع گسترش یابد و هر فرد یا سازمانی الگوهای فرهنگی و اجتماعی و رفتاری حضرت امام را به کارگیرد و کنشگران، پاداش دریافت کنند، قطعاً در مقاطع بعدی آن رفتارها تکرار خواهد شد و به سایر افراد و بخشها تعمیم خواهد یافت. این نوع پاداشها می‌تواند در مسابقات، اردوها، یادواره‌ها، پاداشهای سالیانه و سایر برنامه‌های عملی و علمی اجرا شود. همچنین برابر قضیه محرک «هرمنز» اگر آشنایی با افکار و اندیشه‌های حضرت امام و نهادی شدن آن در فرد موجب شود که فرد کنشگر پاداش دریافت کند یا توسط گروه و جامعه و ساختارها پذیرفته شود؛ محبوبیت یابد، ارتقای مقام و موقعیت بیابد به عنوان محرک، فرد را وادار به تکرار و تقویت رفتار در این ابعاد خواهد کرد. همچنین همان فرد کنشگر سعی خواهد کرد این موقعیت و محرک را به موقعیتهای مشابه که پیش روی وی قرار دارد تعمیم دهد و دیگران را نیز ترغیب به انجام افعال مشابه کند. علاوه بر این برابر قضیه ارزش هرمنز «هر چه نتیجه کنش برای شخص باارزشر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد»^(۳۴) براساس این قضیه می‌توان گفت اگر کودکان، جوانان و نوجوانان در اثر آموزش و تعلیم موارث حضرت امام آشنایی با اندیشه‌ها و افکار حضرت امام(ره) را با ارزش تلقی کنند و پاداشهای دریافتی، که طی قضیه موفقیت و محرک با آن روبه‌رو خواهد شد با ارزش تلقی شود و در مقابل سایر افعال اجتماعی و نتایج آن از ارزش بیشتری برخوردار باشد، قطعاً آن رفتار و عمل اجتماعی و فرهنگی توسط کنشگر تکرار خواهد شد. بنابر این یک وظیفه اساسی ما در جامعه این خواهد بود که آثار و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی حضرت امام(ره) را با ارزشمندی بیشتر در آن و پاداشهای مناسب و با ارزش به نسل جدید عرضه بداریم.

۴- نفوذ گروه‌های مرجع و تأثیر آن بر انتقال موارث

گروه‌های مرجع، گروه‌هایی است «که فرد در مقام سنجش، مقایسه و مطابقت ارزش اعتبار و موقعیت خود و دیگران را معیار و مقیاس قرار می‌دهد.» افراد انسانی بویژه نوجوانان و جوانان، غالباً گروه‌هایی را مرجع تلقی می‌کنند که تمایل به پیوستن به آنها و

گرایش به عضویت در گروه‌ها را دارند. از آنجا که گروه‌های مرجع، نوع آرمانی (تیپ ایده‌آل) برای افراد و گروه‌های دیگر به حساب می‌آیند، بنابر این می‌توانند الگوی رفتاری و منبع تزریق اطلاعات و تعیین صحت و سقم آن باشند؛ به عنوان مثال گروه استادان برای دانشجویان گروه مرجع محسوب می‌شوند و یا گروه مربیان ورزشی برای ورزشکاران گروه مرجع به حساب می‌آیند و در پاره‌ای از موارد ممکن است یکی از اعضای گروه مرجع برای افراد به عنوان لیدر (مربی) مطرح شود که در این فرایند، انتقال اطلاعات و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی بسیار مؤثر است. بنابر این از طریق گروه‌های مرجع با استفاده از نفوذهای ذهنی و الگویی این گروه‌ها می‌توان به معرفی حضرت امام(ره) و موارث ایشان اقدام کرد.

۵- برگزاری سمینارها، کنفرانسها و همایشهای علمی و آموزشی منطقه‌ای و محلی از جمله اهداف عمده‌ای که در این نوع سمینارها و همایشهای علمی مورد نظر است این است که بتوان با توجه به تفاوت‌های قومی، خرده فرهنگها، گوناگونی مناطق جغرافیایی، آداب و رسوم محلی و علایق بومی به انتقال موارث اقدام کرد. در این‌گونه سمینارها دست‌اندرکاران امور علمی و اجرایی سمینارها معمولاً افراد بومی و محلی هستند که خصوصیات و ویژگیهای مخاطبان را بهتر می‌شناسند لذا در یادگیری و انتقال موارث فکری و فرهنگی امام(ره) بسیار مؤثر خواهند بود.

۶- انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی در آثار حضرت امام(ره)

همانطور که قبلاً گفته شد یکی از مقولاتی که در تحقیقات اجتماعی ماکمتر به آن پرداخته شده است، بررسی افکار و اندیشه و آثار فرهنگی و اجتماعی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام(ره) است و در وضعیت کنونی نیز نبود آن به میزان زیادی احساس می‌شود. بویژه در مورد مطالعه شخصیت و آثار فکری و فرهنگی حضرت امام(ره) (۳۵) لذا به طور قطع می‌توان گفت با انجام تحقیقات کاربردی است که می‌توان الگوهای رفتاری و فکری حضرت امام را تبیین، و راهکارها و شیوه‌های مناسب برای عملی کردن آن الگوها در میان نسل جدید ارائه کرد. یادگیری اجتماعی و ارتباطات حلقه‌های ارتباطی

نسل‌های متعدد بشری که تحقق یافتن و غنی شدن نتایج مثبت آن منوط به تفحص و تخصص در اندوختها و مواریت فرهنگی و فکری جامعه است؛ اگرچه استفاده از پیام، تصاویر یا سایر روشهای ارتباط اجتماعی بر افراد انسانی خصوصاً نوجوانان و جوانان تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد و معرفی حضرت امام به نسل‌های بعدی به عنوان یک هنر و شیوه مؤثر مورد تأکید این نوشتار قرار گرفته است. اگر داستان‌نویسی، بیان شرح حال امام و توسعه انتشارات در مورد حضرت امام به عنوان روشهای مطلوب و مؤثر مورد توجه است، چه بهتر که محتوای این مطلب و ارتباطات (مکتوب، شفاهی، تصویری، هنری و...) بر کار تحقیقی و پژوهشی بنیادی یا کاربردی استوار باشد. در واقع رعایت این اصل علمی در معرفی حضرت امام(ره) به عنوان شیوه‌ای مؤثر مورد توجه قرار گیرد و با این شیوه مؤثر و علمی است که می‌توان تمام ابعاد شخصیتی حضرت امام را تبیین و با یکدیگر مرتبط کرد؛ علاوه بر این تحقیق و پژوهش در یافتن شیوه‌های مؤثر و زمینه‌های مناسب نیز مؤثر است.

یادداشتها

- ۱- آبراکرامبی و دیگران، ۱۹۸۴، ۳۶۰
- ۲- گیدنز، ۱۹۸۹، ۶۷
- ۳- آبراکرامبی و دیگران، ۱۹۸۴، ۳۶۰
- ۴- فرهنگ تعلیم و تربیت، ۱۳۶۴، ۳۵۴
- ۵- مکارم اخلاق، ۱۱۵
- ۶- احمدی، ۱۳۷۲، ۱۳۰
- ۷- بقره، ۲۸۶
- 8- hilgard
- 9- marquis
- ۱۰- سیف، ۱۳۷۳؛ ۱۱۴
- 11- ausubel
- 12- bondura
- ۱۳- همان، ۱۸۰
- ۱۴- همان، ۱۸۰
- ۱۵- شریعتمداری، ص ۱۱۷
- ۱۶- قطب، ص ۲۴۴
- ۱۷- جمالی، فاضل، ص ۶۲
- ۱۸- احمدی، ۱۳۷۲، ۱۵۶
- ۱۹- انعام، ۱۶۵
- ۲۰- حجرات، ۱۳
- ۲۱- احمدی، ۱۳۷۲، ۱۴۱
- ۲۲- همان، ص ۱۶۵
- ۲۳- احزاب، ۲۱
- ۲۴- بقره، ۱۴۳
- ۲۵- آل عمران، ۱۵۹
- ۲۶- فرهنگ تعلیم و تربیت، ص ۳۵۵-۳۶۱
- ۲۷- هرگنهان، ۱۹۹۷، ۵۱۱
- ۲۸- همان، ص ۳۸۱
- ۲۹- هرگنهان والسون، ۱۹۹۷، ۳۶۶
- ۳۰- احمدی، ۱۳۷۲، ۳۳۲

- ۳۱- طه، ۱۳۲
- ۳۲- الاعلی، ۹
- ۳۳- ریتزر، ۱۹۸۸، ۲۷
- ۳۴- ریتزر، ۱۹۸۸، ۴۲۹
- ۳۵- جایگاه تحقیقات و پژوهش بنیادی و کاربردی کاملاً خالی است؛ به این معنی که آنچه تا کنون انجام شده توصیف شخصیت امام بوده است نه تبیین شخصیت و آثار فکری و فرهنگی حضرت امام.

منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، سیداحمد - اصول و روشهای تربیت در اسلام، تهران، ماجد ۱۳۷۲
- ۲- آراسته‌خو، محمد - فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، تهران، نشر گستر، ۱۳۶۹
- ۳- جورج ریتزر - نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر - ترجمه؛ محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴
- ۴- ژان استوتزل - روانشناسی اجتماعی - ترجمه؛ علی محمد کاردان، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸
- ۵- بی آرهرگنهان - السون - مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری - ترجمه؛ علی اکبر سیف، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۶
- ۶- سیف، علی اکبر - روانشناسی تربیتی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲
- ۷- فرهنگ تعلیم تربیت، مجموعه بیانات امام خمینی (ره)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴
- ۸- ژان کازنو، جامعه‌شناسی و وسایل ارتباط جمعی، ترجمه؛ باقر ساروخانی - منوچهر محسنی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰
- ۹- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه؛ منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳
- ۱۰- نیکلاس آبراگرامی و دیگران - فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه، حسن پویان - تهران، انتشارات چاپ‌بخش، ۱۳۶۷
- ۱۱- قرآن کریم، سوره‌ها و آیات ذکرشده در متن